

تعیین مصالح نوعیه کودک از منظر فقه امامیه و مبانی آن

مصطفی محقق داماد*

استاد گروه حقوق اسلامی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

مریم غنی زاده بافقی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۶/۲۰ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۹/۷)

چکیده

اصل عدم ولایت در فقه امامیه یکی از اصول مهم و اساسی است که ولایت هر انسانی بر دیگری را نفی می‌کند. در این میان ولایت بر صغیر از استثنائات این اصل است که نظر به شرایط خاص کودک مطرح شده است. با این حال عنصر مصلحت به‌عنوان امر محدود و مقیدکننده ولایت و تصدی امور کودک ضروری است. مصلحت طفل را از نظر عمومیت داشتن یا شخصی بودن می‌توان به نوعیه و شخصیه تقسیم کرد. در متون فقهی مصلحت شخصیه مورد توجه است، درحالی‌که مصالح نوعیه از منابع فقهی قابل استنباطاند. تعیین این معیارهای نوعیه با توجه به مراحل زندگی انسان و دوره‌های مختلف رشدی و غایت کودک در هر دوره قابل تبیین است. امری که می‌تواند سرپرستان و قضات را در تصمیم‌گیری در مورد طفل و ارزیابی این تصمیمات یاریگر باشد.

واژگان کلیدی

متون فقهی، مراحل زندگی انسان مصالح نوعیه کودک، منابع فقهی.

۱. مقدمه

به اعتقاد بسیاری از علما و فرق اسلامی، اساس قانونگذاری در اسلام، رعایت مصالح و مفاسد است. شارع به چیزی دستور می‌دهد که در ذات خود مصلحت داشته باشد و از چیزی نهی می‌کند که دارای مفسده باشد. هرچند در پذیرش مصالح مرسله، به‌عنوان منبع شرعی، میان اصولیین مذاهب اختلاف نظر وجود دارد و امامیه آن را به‌عنوان دلیل استنباط نپذیرفته است، اما در اینکه شریعت بر مدار مصالح است، اختلافی وجود ندارد، به‌ویژه اگر آن مصالح از طریق منابع شرعی قابل استنباط باشد (مرعشی، ۱۳۷۱: ۱۲). از این‌رو در مسائل و ابواب مختلف فقهی، مصلحت به‌عنوان ابزاری برای پیشبرد امور به‌کار رفته است. مسائل مربوط به کودکان و صغار نیز از این امر مستثنا نیست و توجه به مصلحت طفل از جمله وظایف اولیای کودک شمرده شده است. توجه به ابعاد مصلحت به‌عنوان امری کلی، مبهم و سیال و شناسایی چارچوب‌ها و معیارهای آن در امور مختلف به‌ویژه موضوع مورد بحث می‌تواند از دو منظر مفید باشد: اول آنکه این شفافیت به اولیای کودک در اتخاذ تصمیم در مورد طفل کمک می‌کند و اگرچه در کنار مصالح عامه و مبتلابه همگان، مصالح خاصه و به تناسب شرایط و ویژگی‌های هر طفل وجود دارد (طباطبایی، عروه‌الوثقی: ۴۳۵)، تعیین مصالح نوعی و عمومی مربوط به کودکان با توجه به ویژگی‌های خاص دوره کودکی می‌تواند یاریگر والدین و سایر سرپرستان کودک باشد. دیگر آنکه تبیین مصالح عالیة کودک در این دوره، امکان ارزیابی تصمیمات اولیا را توسط مرجع حل خصومت و دعوا به‌دست می‌دهد و ارزیابان با مفاهیم کلی و مبهم دچار سرگردانی و داوری نادرست نخواهند شد. در این مقاله مفهوم و جایگاه مصلحت در فقه امامیه و منابع فقهی با تأکید بر معیارهای تعیین مصلحت در موضوعات و مسائل مربوط به کودک بررسی می‌شود.

۲. مفهوم‌شناسی مصلحت

واژه مصلحت از ریشه «صَلَح» است، آنچه باعث خیر و صلاح و نفع و آسایش انسان باشد (عمید، ۱۳۶۹: ۱۱۲۹). لغت‌نامه دهخدا نیز مصلحت را مقابل مفسده و به معنای صواب، شایستگی و آنچه صلاح و نفع تشخیص داده شود معرفی می‌کند (دهخدا، ۱۳۳۴: ۵۶۸). صَلَح و صَلَاح نیز در بسیاری از کتب لغت در مقابل فساد قرار دارند (قرشی بنایی، ۱۳۸۱: ۱۴۱؛ مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۲۳) و در قرآن کریم واژه صلح که به‌همراه مشتقات آن ۱۸۰ مرتبه تکرار شده است، در مقابل فساد و سیئه قرار دارد (اعراف: ۵۶، بقره: ۲۲۰، یونس: ۸۱).

تعاریف فقها در زمینه مصلحت که در بستر احکام دینی صورت گرفته نیز از همگرایی برخوردار است و بسیاری از ایشان مصلحت را هم‌ردیف منفعت و مخالف آن یعنی مفسده را به معنای ضرر دانسته‌اند. علامه حلی مصلحت را «آنچه که با مقاصد انسان در امور دنیوی یا

اخروی و یا هر دو، موافق بوده و نتیجه آن به دست آوردن منفعت یا دفع ضرری باشد^۱ می‌داند (حلی، ۱۴۲۳ق: ۲۲۱). نجم‌الدین طوفی، از علمای حنبلی معاصر علامه حلی نیز در تعریف مصلحت می‌گوید: «مصلحت در مورد هر چیز، مناسب‌ترین وضعی است که آن چیز با توجه به غرض و غایت خود ممکن است داشته باشد. مثلاً مصلحت در مورد قلم وضعی است که حداکثر کارایی را در کتابت تأمین نماید و مصلحت در مورد شمشیر، تأمین حداکثر کارایی آن در برندگی و رزم است» (موحدی، ۱۳۵۰: ۵۶). در این میان برخی نیز رابطه این‌همانی میان مصلحت و منفعت را نمی‌پذیرند و مصالح و مفاسد پنهان را مطرح می‌کنند. مرحوم خوئی معتقدند که احکام شرعی تابع منافع و مضرات نیست و تنها تابع جهات مصالح و مفاسد در متعلقات آن است و روشن است که مصلحت کاملاً به معنای منفعت و مفسده کاملاً به معنای مفسده نیست. از این رو در بسیاری از واجبات مانند زکات و خمس و حج، ضرر مالی و در جهاد، ضرر بدنی وجود دارد و در مقابل در بسیاری از محرمات، منفعت مالی و بدنی وجود دارد؛ اولی تابع مصالح پنهان و دومی تابع مفاسد پنهان است (خوئی، ۱۳۸۲ق: ۴۰۹). دکتر شلبی نیز این امر را این‌گونه تأیید می‌کنند: «هیچ‌گونه مصلحتی را نمی‌توان یافت که در آن هیچ مفسده‌ای حتی به مقدار کم و بعید وجود نداشته باشد و نیز هیچ‌گونه مفسده‌ای را نمی‌توان یافت که مصلحتی حتی به مقدار کم و بعید به همراه آن نباشد چنانچه در مورد شراب و قمار آمده است...» (شلبی، ۱۴۰۶ق: ۲۸۴). مصلحت در معنای لغوی با مفاهیمی چون حکمت، استواء و اعتدال همسویی دارد و گاهی به جای یکدیگر به کار می‌روند (مغنیه، ۱۴۲۴ق: ۴۲۱).

از قرن دوم هجری نیز بسیاری در صدد تعیین معنای اصطلاحی مصلحت در قالب مقاصد شریعت برآمدند. این تلاش‌های پراکنده در آثار امام‌الحررین جوینی^۲ شکل تازه‌ای به خود گرفت. وی پس از بحث در مورد احکام به تعلیل‌پذیر و تعلیل‌ناپذیر، آنها را به پنج دسته تقسیم می‌کند.^۳ پس از جوینی ابوحامد غزالی^۴ تلاش‌های مستمر و مدونی را در تبیین و دسته‌بندی احکام و تعیین مقاصد شریعت به کار برد. غزالی ابتدا مصالح شریعت را به دینی و

۱. «المصلحة هي ما يوافق الانسان في مقاصده لدنياه او لآخرته او لهما و حاصله تحصيل المنفعة او دفع المضرّة».

۲. متوفای ۴۷۴ ه.ق.

۳. این تقسیم‌بندی عبارت است از: ۱. احکام مربوط به ضرورت‌ها مانند قصاص به منظور حفظ خون بی‌گناه و جلوگیری از تکرار عمل؛ ۲. احکام مربوط به نیازمندی‌های عمومی که به حد ضرورت نمی‌رسد، مانند معاملات؛ ۳. احکام مربوط به اموری که به حد ضرورت نمی‌رسد و مورد نیازمندی عمومی نیز نیست و در حقیقت ناظر به کمالات است، مانند طهارت؛ ۴. احکام مربوط به آنچه نه ضروری است و نه مورد نیاز عموم است و نه ناظر به کمالات مانند مستحبات؛ ۵. آنچه تعلیل‌ناپذیر است و حکمت روشنی ندارد. البته خود جوینی نیز برای این دسته تعلیل‌هایی را برمی‌شمارد و نتیجه می‌گیرد که همه احکام اجمالاً تعلیل‌پذیرند جز تفصیلات برخی احکام مانند تعداد رکعات نماز.

۴. متوفای ۵۰۵ ه.ق.

دنیوی تقسیم کرد و اظهار داشت که بی‌شک حفظ جان، عقل، ناموس - که بعدها به نسل تغییر نام یافت - و اموال مورد نظر شارع است و سپس احکام دال بر این مقاصد را تشریح کرد؛ تشریح قصاص برای حفظ جان، تحریم خمر برای حفظ عقل، تحریم زنا برای حفظ ناموس، تحریم سرقت و حکم به قطع ید سارق برای حفظ اموال است. وی بعدها با این استدلال که هر مقصد دینی در عین حال دنیوی نیز است، بیان می‌دارد^۱ تفکیک مقاصد به دینی و دنیوی را کنار می‌گذارد و به جای آن حفظ دین را به عنوان مقصدی دیگر معرفی می‌کند. حکم به کشتن مرتد و کیفر بدعت‌گذار در راستای همین مقصد است (اسلامی، ۱۳۷۴: ۳۰۶-۳۰۵). اما ابواسحاق ابراهیم بن موسی معروف به شاطبی از فقیهان مالکی بود^۲ که در کتاب مشهور خود (*الموافقات*) شرایع را برای تضمین مصالح حال و آینده‌بندگان و تعلیل‌پذیر می‌داند. تکالیف شریعت نیز برای حفظ مصالح بندگان است که به ضروریات، حاجیات و کمالیات قابل تقسیم است. مصالح ضروری پنج مورد است: حفظ دین، حفظ نفس، حفظ نسل، حفظ مال و حفظ عقل. قاعده اهم و مهم در میان مصالح جاری است و همواره مصلحت مهم‌تر، مقدم بر مصلحت مهم قرار دارد (همان: ۳۲۰). شاطبی در بیان مقاصد و اهداف شریعت با محور قرار دادن عنصر مصلحت هر امری را که موجب حفظ اهداف مذکور شود، مصلحت، و هر امری را که سبب فوت آنها شود، مفسده می‌داند. در این میان دفع مفسده نیز خود مصلحت است. به عبارت دیگر، همان‌طور که ریسونی گفته است، وقتی با تأمل و تحقیق درمی‌یابیم که اساس شریعت بر مصلحت است و تمامی نصوص و احکام آن ناظر بر تحقق مصالح و مفاسد است، باید با تمام نصوص و احکام تعامل مبتنی بر مصلحت برقرار کنیم (ریسونی، ۱۴۱۸ق: ۴۹). به عبارت دیگر، در حقوق اسلامی طرح تئوریک مصلحت به مثابه ایده کلان و عام فقه مبتنی بر تأملات فراققهی و فلسفی است (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۱۵۶). با عنایت به معنای لغوی و اصطلاحی پیش‌گفته در مورد مصلحت می‌توان گفت مقصود از مصلحت کودک وصف فعل یا حقیقتی است که با هدف آمادگی کودک برای سایر ادوار زندگی وی (هدف اولیه) و همچنین ایجاد همسویی در رسیدن به هدف نهایی انسان (هدف غایی) در ساحت فردی، خانوادگی و جامعه طراحی می‌شود و مجری آن «ولی» کودک خواهد بود.

۱. مانند نماز که هم باعث بازداشتن از فحشا و منکر می‌شود و در راستای اطاعت خداوند است.

۲. متوفای ۷۹۰ق.

۳. کودک و مصلحت در متون فقهی

به‌طور کلی در متون فقهی، تبیین کلیه مفاهیم و موضوعات مربوط به کودک در ذیل یک بخش خاص از ابواب فقهی^۱ وجود ندارد و مسئله کودک به‌طور عام و مصلحت وی به‌طور خاص، در بخش‌های مربوط به «حجر»، «لقیط»، «امور حسبه و ایتام»، «نکاح» و «معاملات» به‌صورت پراکنده مورد توجه واقع شده است که در تمام آنها اصل «عدم ولایت یک فرد بر دیگری» از اصول مسلم است. اما از آنجا که کودک ناتوان از انجام امور خویش بوده و نیازمند حمایت و مساعدت دیگران است، امور مربوط به او بر عهده «ولی» گذاشته شده است. با وجود این اختیارات ولی مطلق نبوده و محدود به رعایت معیار «مصلحت» شده است^۲ که در برخی متون تحت عنوان «غبطه»^۳ از آن یاد می‌شود. برای نمونه آنجا که می‌گویند: تصرف ولی در مال موکلی علیه منوط به غبطه موکلی علیه است (عاملی، ۱۴۱۰: ۶۱؛ عاملی، ۱۴۱۳: ۳۸۹؛ حلی، ۱۴۰۸: ۶۹؛ نجفی، بی‌تا: ۱۱۵) یا آنکه از نکاح دائم تحت عنوان نکاح غبطه یاد شده و مقصود آن است که در نکاح باید مصلحت و غبطه افراد رعایت شود (مفید، ۱۴۱۳: ۴۹۸) یا در موضوع حق قصاص کودک که اعمال آن را در قالب عفو (معوض یا غیرمعوض)، اخذ دیه و اجرای قصاص با لحاظ مصلحت کودک ممکن دانسته است (کرکی، ۱۴۱۴: ۱۲۶). توجه به عنصر مصلحت در تصمیم‌گیری‌های ولی توسط برخی از نویسندگان به‌عنوان شرطی ارتکازی در تصرفات او عنوان شده است تا حدی که فقدان آن سبب بی‌اعتباری تصمیم خواهد شد (سید فاطمی، ۱۳۷۴: ۱۴۱). در صورت عدم رعایت مصلحت از جانب ولی در تصمیمات مربوط به کودک، دو راهکار «عزل و نصب قیم» و همچنین «ضمّ امین» مطرح است و در موارد خاص نیز این ضمانت اجرا در قالب «فضولی دانستن»^۴ عمل انجام شده توسط ولی و منوط کردن آن به اجازه کودک پس از بلوغ عنوان شده است.

۱. توبیخ کتب فقهی نوعاً از یک سیر مشخص و بدون تغییر پیروی می‌کند؛ ۱. عبادات (صلوه، صوم، زکات، خمس، اعتکاف، حج، جهاد، کفارات، نذر، قضا، شهادت، وقف، عطیه)، ۲. معاملات (بیع، اجاره، دین، رهن، حجر، ضمان، حواله، کفالت، صلح، شرکت، مضاربه، ودیعه، عاریه، مضاربه، مزارعه، مساقات، وکالت، شفعه، سبق و رمایه، جعله، وصیت، نکاح، طلاق، ایلاء، لعان، عتق، تدبیر،ظهار، اقرار، غصب، لقطه، احیاء موات، صید و ذباحت، اطعمه و اشربه، میراث)، ۳. حدود، قصاص و دیات.

۲. محدود کردن ولایت به ولایت پدر و جد پدری و طرح معیار مصلحت در تصمیم‌گیری‌های مربوط به کودک در جهت محدود کردن ولایت بر غیر و گسترش قلمرو اصل عدم ولایت بوده است.

۳. منظور از غبطه در نگهداری اموال موکلی علیه این است که ولی عملی نکند که موجب فساد مال موکلی علیه شود اما رساندن نفع به موکلی علیه در تصرفاتی که ولی می‌کند ضرورت ندارد جامع الشتات ص ۲۱۲. به نقل از: جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸) *ترمینولوژی حقوق*. تهران: گنج دانش. ش ۳۸۹۳.

۴. مانند تصرفات مالی ولی در اموال کودک.

بنابر تصریح بسیاری از فقها، تدبیر امور کودک ابتدا با پدر و جد پدری و سپس وصی منصوب از جانب ایشان است. در صورت فقدان افراد مذکور، حاکم شرع یا نماینده وی (قیم) عهده‌دار این مسئولیت خواهد شد و در مرحله آخر عدول مؤمنان در این خصوص اقدام خواهند کرد (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۰۰).

همان‌طور که اشاره شد در مواردی که ولی به دلایل گوناگون مانند فوت یا رها کردن طفل حضور ندارد یا حضور وی کارایی لازم را ندارد، حکومت اسلامی موظف است به امور این کودکان رسیدگی کند. از این رو با بررسی کتاب‌های فقهی می‌توان رعایت مصلحت برای کودک را در سه عرصه مطرح کرد (شکل ۱).

-	اموال (خرید و فروش، مضاربه، مساقات، اجاره، رهن و...)	ولی حضور دارد
	نفوس (ازدواج، طلاق، حضانت، تربیت، تعزیر)	
	حقوق (قصاص)	
حاکم اسلامی (دادگاه)	اموال (خرید و فروش، مضاربه، مساقات، اجاره، رهن و...)	ولی کارایی ندارد (بدسرپرست)
	نفوس (ازدواج، طلاق، حضانت تربیت، تعزیر)	
	حقوق (قصاص)	
حاکم اسلامی (دادگاه)	اموال (خرید و فروش، مضاربه، مساقات، اجاره، رهن و...)	ولی حضور ندارد
	نفوس (ازدواج، طلاق، حضانت، تربیت، تعزیر)	
	حقوق (قصاص)	

در خصوص رعایت مصلحت یا عدم مفسده‌انگیز بودن اقدامات ولی نیز در فقه اختلاف نظر وجود دارد. بسیاری از فقها (طوسی، بی‌تا: ۲۰۰؛ حلی، ۱۴۱۰ق: ۲۱۲؛ ۲۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ق: ۴۳۳) رعایت غبطه و مصلحت را ملاک تصرفات ولی می‌دانند و حتی برخی در این مورد ادعای اجماع میان متقدمان کرده‌اند (حسینی مراغی، ۱۴۱۸ق: ۵۵۹). در مقابل برخی دیگر (نجفی، بی‌تا: ۳۳۲؛ انصاری، ۱۴۱۱ق: ۱۵۲؛ خمینی، ۱۴۱۵ق: ۴۵۶؛ آملی، بی‌تا: ۳۳۱) بر این باورند که نفوذ تصرفات ولی منوط به فقدان مفسده است و ضرورتی در وجود مصلحت وجود ندارد. ایشان در تبیین مدعای خود نهی موجود در روایات را نهی از فساد و اسراف در اموال و امور مالی موکلی علیه می‌دانند.^۱ تتبع در متون فقهی با جهت‌گیری کودک، بیانگر آن است که نوعاً فقها مصلحت را امری «شخصی» و منوط به تشخیص «عرفی» ولی می‌دانند (نجفی، بی‌تا: ۳۳۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۹ق: ۲۸۹؛ بحرالعلوم، ۱۴۰۳ق: ۲۵۳)؛ امری که خود، همچون مصلحت، منعطف و سیال است و نمی‌توان ضابطه و معیار مشخصی را برای آن بیان کرد. این مسئله شاید در بادی امر مشکل‌ساز به نظر نرسد، اما در مقام عمل راه را برای ارزیابی تصمیمات ولی و سایر سرپرستان در زمانی که کودک یا دیگران آن تصمیم را خلاف مصلحت عنوان می‌کنند و درصدد بی‌اثر کردن تصمیم ولی هستند، دشوار خواهد کرد. به‌علاوه به نظر می‌رسد به‌جز مصالح شخصی در خصوص هر کودک از لحاظ منحصر به فرد بودن، یک‌سری مصالح نوعی از لحاظ انسان بودن و غایت مشخص داشتن برای کودکان وجود دارد؛ امری که در متون فقهی کمتر بدان اشاره شده است.

۴. مصلحت کودک در منابع فقهی^۲

با توجه به آنکه خلأها و کمبودهای متون فقهی را می‌توان با رجوع به منابع و مصادر آن مرتفع کرد^۳، در بررسی مصالح کودک و چگونگی تعیین آن در این دوره مهم و اثرگذار به مهم‌ترین

۱. در روایت صحیح از امام باقر(ع) آمده است: «سزاوار نیست پدر از مال فرزندش به بیش از مقدار نیاز خود بردارد، خداوند فساد را دوست ندارد». ر.ک: حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، ص ۱۹۵.

۲. مقصود از منابع فقه در نوشتار حاضر همان منابع اربعه (کتاب، سنت، اجماع و عقل) می‌باشد.

برای نمونه در قرآن کریم ذیل آیات ۳۴ و ۱۵۲ سوره‌های اسراء و انعام و همچنین آیه ۲۲۰ سوره بقره به ضروری بودن لحاظ عنصر مصلحت در تصرفات ولی اشاره شده است. به‌علاوه روایات فراوانی دلالت بر لزوم رعایت مصلحت در رابطه با تصرف و مداخله در امور یتیم کرده‌اند. برای مطالعه بیشتر ر.ک عاملی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۶ق)، مسالک الافهام فی شرح شرائع الاسلام، قم: المعارف الاسلامیه.

۳. اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: "قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد".

این منابع (قرآن و سنت) رجوع می‌کنیم.^۱ در منابع فقهی امامیه انسان به‌عنوان یکی از موجودات عالم خلقت، دارای آفرینشی تدریجی و اجل معین است. زندگی او به ادوار مختلف و به‌هم‌پیوسته‌ای قابل تقسیم است که مانند زنجیره‌های یک شبکه به هم متصل است. هر دوره نیز اقتضانات، محدودیت‌ها، آسیب‌ها و غایت/غایات متناسب خود را داراست. مصالح و منافع کودک نیز براساس این غایات، قابلیت‌ها و استعداد‌های انسان در هر یک از این ادوار تعیین می‌شود. از این رو برای یافتن مصالح کودک در دوران کودکی ناگزیر از شناخت مراحل و ادوار زندگی انسان هستیم.

این مراحل بنا بر متون دینی^۲ قابل تقسیم به هفت مرحله است؛ ۱. مرحله شییء مذکور نبودن^۳: در این مرحله که در قرآن کریم نیز از آن یاد شده است (دهر: ۱)، انسان چیزی نیست که با ذکر نامش جزء مذکورات باشد و بدین سبب نامی از وی در میان نبود. از این رو «مذکور بودن» کنایه از آن است که موجود بالفعل است، اما شییء قابل ذکری نبوده (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۱۹۳). ۲. مرحله پیش از تولد^۴: وجود پدر و مادر به‌عنوان بسترهای شکل‌دهنده انسان یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این مرحله است؛ ۳. مرحله جنینی^۵: در این مرحله نیز انسان از خود اختیاری نداشته و والدین اصلی‌ترین سهم را در شکل‌گیری او دارند؛ ۴. مرحله طفولیت و کفالت^۶: در این مرحله نیز همچنان انسان (کودک) از خود اختیاری نداشته و مادر با تأمین مستقیم غذا و پدر با تأمین ویژگی‌های رزق طفل، مانند حلال و طیب بودن آن نقش مؤثری در رشد و نمو کودک دارند؛ ۵. مرحله ناطق شدن با ابزار کلام^۷: این مرحله از مهم‌ترین مراحل زندگی انسان است و نقشی تعیین‌کننده در آینده فرد دارد. در این مرحله فرد می‌تواند درونیات خود را به‌وسیله کلام بیان کرده، با دیگران ارتباط برقرار کند و نیازهای خود را از این طریق

۱. شایان ذکر است که در قرآن کریم مشتقات واژه مصلحت در رابطه با ایتم به‌کار رفته است (بقره: ۲۲۰؛ نساء: ۶ و ۱۰). در روایات نیز سفارش‌های زیادی در خصوص توجه به کودکان یتیم و تلاش در جهت بهبود شرایط ایشان شده است.

۲. دعای عرفه به نقل از حسین بن علی (ع).

۳. اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَرْغَبُ اِلَیْكَ وَ اَشْهَدُ بِالرُّبُوبِیَّةِ لَكَ مُقَرَّأً بِاَنَّكَ رَبِّیْ وَ اِلَیْكَ مَرَدِّیْ اِنِّدَا اَتَنِیْ بِیَعْمَیْكَ قَبْلَ اَنْ اَكُوْنَ شَیْئًا مَذْکُوْرًا.

۴. وَ خَلَقْتَنِیْ مِنْ التُّرَابِ ثُمَّ اَسْكَنْتَنِیْ الْاَصْلَابَ اَمِیْنًا لِرَبِّیْ الْمُنُوْنِ وَ اِخْتِلَافِ الدُّهُوْرِ وَ السَّنِیْنِ. فَلَمْ اَزَلْ ظَاعِمًا مِنْ صُلْبِ اِلٰی رَحْمِیْ فِی تَقَادِمِ مِنَ الْاِیْمَانِ الْمَاضِیَةِ وَ الْقُرُوْنِ الْخَالِیَةِ لَمْ تُخْرِجْنِیْ لِرَافِقِیْکَ بِنِیْ وَ لَطْفِیْکَ لِیْ وَ اِحْسَابِیْکَ اِلَیَّ فِیْ دَوْلَةِ اَیْمَةِ الْکُفْرِ الَّذِیْنَ نَقَضُوْا عَهْدَکَ وَ کَذَّبُوْا رُسُلَکَ لَکِنَّکَ اَخْرَجْتَنِیْ لِلَّذِیْ سَبَقَلِیْ مِنَ الْهُدٰی الَّذِیْ لَهٗ یَسْرَتُنِیْ وَ فِیْهِ اَنْشَآءُتُنِیْ وَ مِنْ قَبْلِ ذٰلِکَ رَوَّفْتِ بِنِیْ بِجَمِیْلِ صُنْعِیْکَ وَ سَوَابِغِ نِعْمِیْکَ.

۵. بَدَعْتَ خَلْقِیْ مِنْ مِیْئِیْ یُمْنِیْ وَ اَسْکَنْتَنِیْ فِیْ ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ بَیْنَ لَحْمٍ وَ دَمٍ وَ جِلْدٍ لَمْ تُشْهِدْتَنِیْ خَلْقِیْ وَ لَمْ تَجْعَلْ اِلَیَّ شَیْئًا مِنْ اَثْرِیْ.

۶. ثُمَّ اَخْرَجْتَنِیْ لِلَّذِیْ سَبَقَلِیْ مِنَ الْهُدٰی اِلٰی الدُّنْیَا تَامًا سَوِیًّا وَ حَفِظْتَنِیْ فِی الْمَهْدِ طِفْلًا صَبِیًّا وَ رَزَقْتَنِیْ مِنَ الْغِذَاءِ لَبَنًا مَرِنًا وَ عَطَفْتِ عَلٰی قُلُوْبِ الْخَوَاصِیْنِ وَ كَفَلْتَنِیْ الْاُمَّهَاتِ الرُّوَاحِمَ وَ کَالَفْتَنِیْ مِنْ طَوَارِقِ الْجَنِّ وَ سَلَّمْتَنِیْ مِنَ الزَّیَادَةِ وَ التَّلَفُّصَانِ فَتَعَالَيْتَ بِاِ رَحِیْمٍ یَا رَحْمٰنُ.

۷. حَتّٰی اِذَا اسْتَهْمَلْتِ نَاطِقًا بِالْکَلَامِ اَتَمَمْتِ عَلٰی سَوَابِغِ الْاِنْعَامِ وَ رَبَّیْتَنِیْ زَایِدًا فِیْ کُلِّ عَامٍ.

مرتفع سازد؛ ۶. مرحله *اکمال فطرت*^۱: در این مرحله انسان با نیری عقل و الهام می‌تواند به شناخت حق و باطل، هستی و نعمت‌های الهی بپردازد و عبادت او را انجام دهد؛ ۷. مرحله *اتمام نعمت و احسان*^۲: در این مرحله انسان با پی بردن به نعمات الهی و برخورداری از انواع زندگی و فراگیری سنت‌های الهی احسان وی را بر خود تمام شده می‌بیند.

بی‌شک غایت نهایی انسان در تمامی این مراحل عبودیت و بندگی حق تعالی است. با این حال هر مرحله دارای غایتی معین است که در راستای غایت نهایی قرار دارد و می‌باید با استفاده از امکانات و استعدادها موجود بدان دست یافت. بنابر مراحل یادشده دوره‌های زندگی انسان را در زمان پیش از بلوغ و آنچه به‌عنوان دوران کودکی^۳ از آن یاد می‌شود، می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

۴.۱. دوره اول

در این دوره از منظر بازه زمانی دو نوع رویکرد حداکثری و حداقلی^۴ را می‌توان تبیین کرد. نگاه حداکثری از پیش از تولد آغاز می‌شود و تا آغاز نطق و تکلم ادامه پیدا می‌کند؛ شرایط انتخاب همسر، انعقاد نطفه، دوره جنینی و تولد از مقاطع این دوره هستند. نگاه حداقلی نیز از زمان تولد^۵ و حضور کودک در این جهان آغاز می‌شود و تا آغاز تکلم ادامه می‌یابد. در متون فقهی در خصوص نکاح به شرایط انتخاب همسر و انعقاد نطفه اشاره شده است (خمینی، ۱۳۹۰: ۲۳۶؛ طباطبائی، ۱۴۱۹ق: ۴۸۶). از این رو می‌توان نگاه حداکثری را به‌عنوان نگاه منتخب فقهی معرفی کرد.

الف) پیش از تولد

دوران پیش از تولد شامل انتخاب همسر، انعقاد نطفه و دوران جنینی یا بارداری است. *انتخاب همسر*؛ انسان در مسیر رشد خود به بلوغی می‌رسد که می‌تواند زوجیت^۶ را آغاز کند و نیاز به کفو تمام زندگی وی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. انتخاب زوج تأثیر بسزایی در

۷. حَتَّى إِذَا اكْتَمَلَتْ فِطْرَتِي وَاعْتَدَلْتُ مَرَّتِي أَوْجَبْتُ عَلَىٰ حُجَّتِكَ بِأَنَّ أَلْهَمْتَنِي مَعْرِفَتَكَ وَرَوَّعْتَنِي بَعْجَابِ جُحْمِيكَ وَأَيَّقْتَنِي لِمَا ذَرَأْتَ فِي سَمَاوِيكَ وَأَرْضِيكَ مِنْ بَدَائِعِ خَلْقِكَ وَتَبَهَّيْتَنِي لِشُكْرِكَ وَذِكْرِكَ وَأَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَكَ وَعِبَادَتَكَ وَفَهَّمْتَنِي مَا جَاءَتْ بِهِ رُسُلُكَ وَتَسَرَّتَ لِي تَقَبُّلَ مَرْضَاتِكَ وَمَنْنْتَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ بَعْوِيكَ وَأَطْفِيكَ.

۸. ثُمَّ إِذْ خَلَقْتَنِي مِنْ خَيْرِ التُّرَى، لَمْ تَرْضَ لِي يَا إِلَهِي نِعْمَةً دُونَ أُخْرَى وَرَزَقْتَنِي مِنْ أَنْوَاعِ الْمَعَاشِ وَصُنُوفِ الرِّيَاشِ بِمَنِّكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ عَلَيَّ وَاحْسَانِيكَ الْقَدِيمِ إِلَيَّ حَتَّى إِذَا أَتَمَمْتَ عَلَيَّ جَمِيعَ النِّعَمِ وَصَرَفْتَ عَنِّي كُلَّ النُّقْمِ لَمْ يَمْنَعَكَ جَهْلِي وَجُرْأَتِي عَلَيَّ أَنْ دَلَلْتَنِي إِلَى مَا يُقَرِّبُنِي إِلَيْكَ وَوَقَفْتَنِي لِمَا يُزِيلُنِي لَدَيْكَ فَإِنْ دَعَوْتُكَ أَجَبْتَنِي وَإِنْ سَأَلْتُكَ أَطَعْتَنِي وَإِنْ أَطَعْتُكَ شَكَرْتَنِي وَإِنْ شَكَرْتُكَ زِدْتَنِي، كُلُّ ذَلِكَ إِحْسَالٌ لِأَنْعَمِيكَ عَلَيَّ وَاحْسَانِيكَ.

3. Childhood

4. Maximalist & Minimalist approach

۳. شروع کودکی در این رویکرد همسو با کنوانسیون حقوق کودک، ماده یک است.

۴. برای دیدن انواع زوجیت ر.ک: تدبر در ساحت بیت، مدرسه دانشجویی قرآن و عترت، صص ۱۳۲-۱۱۹، ۱۳۹۱.

سرنوشت، اخلاق و روحیات کودکان ایشان خواهد داشت و صفات زوجین به نسل‌های بعدی منتقل می‌شوند. از این رو دستورهای متعددی در نحوه انتخاب زوج بیان شده است. از جمله آنکه «ایمان» یکی از مهم‌ترین ملاک‌هاست و زن و مرد مؤمن فارغ از سایر ملاک‌ها و جایگاه‌های اجتماعی، کفو یکدیگر محسوب می‌شوند (بقره: ۲۲۱). در روایات نیز ازدواج با مرد شرابخوار و دارای صفات بد اخلاقی منع شده است (کافی، بی تا: ۳۴۷). «خانواده مناسب» از دیگر معیارهای مورد سفارش اسلام است و در روایات دختر زیبا در خانواده بد به سبزه مزبله^۱ تشبیه شده است (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳۹۱). در روایتی دیگر فرد کفو فردی معرفی شده که در مقابل هر شهوت خوشتندار بوده و نزد او آسانی و توانگری باشد (کلینی، بی تا: ۳۴۷). انتخاب همسر مناسب به حدی در سرنوشت افراد خانواده مهم و تأثیرگذار است که پیامبر (ص) بهره‌ای بالاتر از همسر مناسب برای فرد مسلمان بعد از اسلام نمی‌داند (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۳۸۹).

به علاوه لازم است هر یک از زوجین در انتخاب خود به صفات و نارسایی‌هایی^۲ که از ناحیه طرف مقابل انتقال پیدا می‌کند، توجه داشته باشد. در روایتی از امام صادق (ع) نوع رویکرد به ازدواج و انتخاب همسر این گونه بیان شده است: «... بنگر کجا بار خود را فرو می‌آوری (به چه کسی اعتماد می‌کنی)، چه کسی را در مال خود شریک می‌سازی و بر دین خود آگاه می‌کنی و سر و امانت خود را به او می‌سپاری...» (همان: ۳۸۶). رعایت هر یک از موارد زیر از جمله مصالح کودک است و به طور غیرمستقیم بر کودک اثر می‌گذارد.

انعقاد نطفه: یکی از لحظات حساس و تأثیرگذار در شکل‌گیری خلقی و خلقی کودک است. از این رو دستورهای متعددی برای جلوگیری از تولد کودکان معیوب از نظر جسمی و روحی - روانی و همچنین تولد فرزندان صالح و مؤمن شده است (طبرسی، ۱۳۷۰: ۳۳۹ و ۲۰۹؛ صدوق، ۱۴۱۳ق: ۴۰۳). عدم رعایت موارد مربوط به انعقاد نطفه حلال خلاف مصالح عالیة کودک است. *دوران جنینی:* در دوران جنینی کودک در رحم مادر بوده و به طور مستقیم از وی و به طور غیرمستقیم از پدر متأثر است. توجه به سلامت جسم و روان مادر که ارتباط وثیقی با طفل دارد، از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره است. برای نمونه یکی از علل بیماری میکروسفالی مصرف الکل در دوران جنینی توسط مادر است (احمدآبادی، ۱۳۹۲: ۶). ممنوعیت مجازات بدنی مادر در برخی روایات (مفید، ۱۴۱۳ق: ۲۰۴)، در این دوره در راستای حق رشد و سلامت کودک است. کودک از زمان انعقاد نطفه حق حیات دارد، از این رو آسیب رساندن به او یا از بین بردن

۱. خضراء الدمن.

۲. بسیاری از بیماری‌های مربوط به کودکان مانند اوتیسم (درخودماندگی) ریشه در عوامل ژنتیکی دارند. رک: اختلافات روان‌پزشکی در کودکان: چکیده بیماری‌های روان براساس کاپلان و سادوک (۲۰۱۰). تألیف کمیته علمی پارسیان دانش، پارسیان دانش، ج اول، ۱۳۹۲، ص ۱۲۱.

او سبب پرداخت دیه می‌شود (نجفی، بی‌تا: ۶۰) و پس از چهار ماه دیه انسان کامل را داراست (همان: ۳۵۶). کودک در این دوران از حقوق مالی مانند ارث نیز برخوردار است (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۴۲) و حتی می‌توان به نفع وی وصیت کرد (همان: ۱۷۰).

(ب) از تولد تا آغاز کلام

بنابر تعالیم دینی، هر نوزادی با فطرتی پاک و توحیدی متولد می‌شود و تغییر رویکرد وی و رفتار خلاف فطرت در نتیجه نوع تربیت غیرموحدانه‌ای است که از اطرافیان، به‌ویژه پدر و مادر دریافت می‌دارد. حفظ این پاکی و طهارت به‌عنوان یکی از دارایی‌های کودک از جمله وظایف والدین است.

کودک در این مرحله از زندگی بیشترین وابستگی به دیگران به‌خصوص پدر و مادر^۲ را پس از تولد دارد و نیازمند بالاترین سطح مراقبت و نگهداری است. اگرچه در این مرحله کودک منفعل است و واکنش معمول نسبت به رفتار اطرافیان و محیط پیرامونی نشان نمی‌دهد، بسیاری از تقدیرهای وی در این مرحله رقم می‌خورد و نوع تعاملات با طفل در عملکرد وی در آینده تأثیرگذار است. پیشگیری‌ها در مورد نواقص جسمی در این مرحله می‌تواند مفید فایده باشد و اگر والدین به آن بی‌توجهی کنند، نمی‌توانند در سال‌های بعدی زندگی آن را جبران کنند. در این مرحله به‌دلیل ارتباط وثیق کودک و مادر و نیاز طفل به تغذیه از طریق شیر مادر، اجرای بسیاری از آموزش‌ها بر عهده وی است (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۱۷-۱۱۸). از منظر پزشکی نیز دل بستگی^۳ در روابط مادر و کودک در سال اول زندگی طفل ایجاد می‌شود (احمدآبادی، ۱۳۹۲: ۶). از این‌رو کودکان محروم از مادر در این دوره آسیب‌های زیادی را متحمل خواهند شد. از مهم‌ترین ویژگی‌های این مرحله پررنگ بودن نقش حواس در رابطه با کودک است. کودک به‌دلیل ناتوانی در برقراری ارتباط با دیگران و محیط اطراف به شیوه معمول، اعضای حسی خود را به‌کار می‌گیرد (جعفی کوفی، بی‌تا: ۴۹). حس لامسه توسط ماما و زمان خروج وی از رحم مادر و سپس در آغوش مادر فعال می‌شود. پس از آن نیز حواس شنوایی، بویایی، چشایی و سپس بینایی فعال می‌شوند. ویژگی دیگر این مرحله ارتباط با غیب توسط نوزاد است (اخوت، ۱۳۹۲: ۱۲۳). همچنین هر کودکی که به دنیا می‌آید، همراهی طایفه‌ای از ملائکه را با خود دارد که از وی محافظت می‌کنند؛ این ارتباط تا حدی است که دیگران را نیز به این امر واقف می‌کند.

۱. قال رسول الله (ص): كل مولود يولد على الفطرة و انما ابواه يهودانه و ينصرانه و يمجسانه (تصحیح اعتقادات الامامیه، ص ۶۱).

۲. شایان ذکر است که بنابر گفته امام صادق (ع) در تربیت و رشد کودک توسط والدین مصالح و منافی برای خود ایشان نیز وجود دارد. برای مطالعه بیشتر رک: توحید المفضل، ص ۵۲.

خنده‌های ناگهانی به‌خصوص در خواب، عکس‌العمل‌های خاص و ...، همگی حکایت از وجود چنین ارتباطی می‌کند و در روایات متعدد نیز به این مسئله اشاره شده است.^۱ با توجه به ویژگی‌های این مرحله و نقش حواس به‌عنوان مهم‌ترین ابزار ارتباطی و شناختی کودک، هر گونه رفتار به‌ویژه از سوی والدین که به اختلال در حواس وی منجر شود، خلاف مصالح عالیّه وی است. ناآگاهی والدین در مورد احوالات روحی و نیازهای جسمی کودک در این مرحله ممکن است به طفل آسیب برساند. همچنین فقدان والدین به‌ویژه مادر و محرومیت کودک از آغوش و همچنین شیر مادر^۲، در مسیر رشد عاطفی و جسمی وی خلل ایجاد خواهد کرد. از این رو کودک نیازمند والدین آگاه و آشنا با خصوصیات این مرحله و وظایف خود، تغذیه مناسب به‌خصوص از سوی مادر و شنیده‌ها و دیده‌های مناسب است. برای مثال مشاجرات و نزاع‌های خانوادگی، بی‌توجهی و بی‌مهری به کودک و عدم رسیدگی به نظافت و تغذیه وی همگی خلاف مصالح وی هستند.^۳ با توجه به مطالب پیش گفته می‌توان مصالح عالیّه کودک در دوره اول را بنابر منابع فقهی این‌گونه جمع‌بندی کرد:

۱. بهره‌مندی از والدین کفو؛
۲. متولد شدن از نطفه حلال و مطابق با دستورهای معصومین (ع)؛
۳. بهره‌مندی از رزق حلال در تمامی ادوار به‌ویژه دوره اول که شکل‌دهنده بنیان‌های جسمی کودک است و بر احوالات روحی وی نیز تأثیر می‌گذارد؛
۴. آرامش و سلامت مادر در دوران بارداری و شیردهی؛
۵. توجه به تغذیه کودک و سلامت جسمی وی؛
۶. حفظ طهارت و پاکی کودک؛
۷. تقویت حواس به‌صورت مناسب و قرار نگرفتن در معرض خشونت و محیط ناسالم.^۴

۱. سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) عَنِ الطِّفْلِ يَضْحَكُ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَ يَبْكِي مِنْ غَيْرِ أَلَمٍ. فَقَالَ يَا مَفْضَلُ مَا مِنْ طِفْلٍ أَلَا وَ هُوَ يَبْرِي الْإِمَامَ وَ يَنَاجِيهِ فَبَكَوهُ لِغَيْبِهِ الْإِمَامَ عَنْهُ وَ ضَحِكُهُ إِذَا أَقْبَلَ إِلَيْهِ حَتَّى إِذَا أَطْلَقَ لِسَانَهُ أَغْلَقَ ذَلِكَ الْبَابَ عَنْهُ وَ ضَرَبَ عَلَى قَلْبِهِ بِالنَّسِيَانِ.

۲. قَالَ عَلِيٌّ (ع): «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنَمِّمَ الرِّضَاعَةَ...» بقره، آیه ۲۳۳.

۳. رشد ناکافی FTT و یا نارسائی در رشد نیز نتیجه ۱. افسردگی مادر، مشکلات شیردهی، تهیه نادرست شیرخشک، ۲. استفاده نادرست از غذاهای کمکی و استفاده زیاد از آبمیوه، ۳. سوء جذب، سلیاک، بیماری دهان و دندان، ۴. بیماری قلبی-ریوی و ۵. آسیب‌های ناشی از کودک‌آزاری است.

۴. در مواد ۵۴ و ۵۵ منشور حقوق شهروندی به مصونیت کودکان از تعرض و خشونت گفتاری و رفتاری در تمام محیط‌های خانوادگی و اجتماعی، دسترسی به نهادهای امدادی، درمانی و قضایی و ممنوعیت جدا کردن کودکان از والدین و سرپرستان قانونی ایشان اشاره شده است.

۴.۲. دوره دوم

دوره دوم از تکلم تا زمان بلوغ را دربرمی‌گیرد. کودک در طی مسیر خود به سمت بلوغ، به تدریج از میزان وابستگی‌هایش کاسته می‌شود و توان اداره کردن خود و بر عهده گرفتن تکالیف را پیدا می‌کند. این دوره نه طفولیت محض است و نه بلوغ کامل، بلکه برزخی میان این دو دوره است. با توجه به غایت این دوره که همانا بلوغ و رسیدن به توانایی تشخیص است، آموزش‌های کودک نیز باید در همین زمینه و به منظور پرورش انواع تفکر، مشورت و ادب - به عنوان مقدمه‌ای برای قرار گرفتن در چارچوب‌های الهی و ضابطه‌مند شدن درونی - و توانمندی‌های جسمی وی باشد (اخوت، ۱۳۹۲: ۲۴). به علاوه این دوره آغاز آموزش‌های رسمی کودکان است، از این رو می‌باید میان اولیای مدرسه و والدین کودک هماهنگی شایان توجهی به منظور هم‌افزایی در آموزش‌ها وجود داشته باشد. مهم‌ترین وظیفه اولیای کودک در این دوره «آموزش» است که با توجه به روحیات طفل و عدم ضرورت به کارگیری جبر در این دوره^۱ باید به طور غیرمستقیم و با بهره‌گیری از فضاها و پیرامونی طفل صورت گیرد.^۲

در روایات از بلوغ در معنای «استطاعت» یاد شده است. از این رو باید در دوره دوم ابزار

استطاعت مهیا شود تا طفل بتواند از طفولیت خارج شود.

استطاعت به معنای توانمندی در انجام فعل براساس اختیار، اراده آزاد، بدون وجود اجبار و به موجب تشخیص انسان است (کلینی، بی‌تا: ۱۶۲). در روایتی از امام صادق (ع) شرایط استطاعت این‌گونه بیان شده است: ۱. باز بودن راه فرد (وجود اختیار)؛ ۲. تندرستی؛ ۳. سالم بودن اعضای بدن؛ ۴. وجود سببی از جانب خدا (همان). در روایتی دیگر شرایط استطاعت در قالب تندرستی (صحه الخلقه)، آزادی (تخلیه السرب)، مهلت کافی (المهله فی الوقت) و توشه (الزاد) و وسیله تحریک فاعل بر کار خود (السبب المهیج للفاعل علی فعله) بیان شده است (حرانی، ۱۴۰۴: ۴۶۰). با توجه به روایات یادشده مهم‌ترین نکاتی که کودک باید در این دوره بیاموزد عبارت‌اند از:

۱. تقویت قوای جسمانی و روانی و توجه به سلامت عمومی؛
۲. شناخت اعضای بدن و مهم‌ترین کارکردهای آن در زندگی؛
۳. توجه به زمان و مهلت‌دار بودن امور در دنیا (اجل)؛

۱. قال رسول الله (ص): الولد سید سبع سنین و عبء سبع سنین و وزیر سبع سنین. فان رضیت خلایفکة لإحدی و عشرين و إلا فاضرب علی جنبه فقد أعدرت إلی الله تعالی. رک: بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۵، ح ۴۲.

۲. اختلال در سلوک (Conduct disorder) شایع‌ترین اختلال در کودکان سنین مدرسه زیر ۱۳ سال است. زندگی در خانواده‌های ناپه‌نجان، قرار گرفتن در معرض آزارهای جسمی و جنسی از جمله دلایل این اختلال است. رک احمدخانی‌ها، حمیدرضا، چکیده بیماری‌های روان براساس کاپلان و سادوک ۲۰۱۰، (۱۳۹۲)، پاریسیان دانش، صص ۱۲۳-۱۲۲.

۴. شناخت و توجه به آزادی و اختیار و چگونگی بهره‌مندی از آن؛
۵. توجه به علم و توان یادگیری و استفاده از آن؛
۶. شناخت بایدها و نبایدها و تأثیرات آن در زندگی.

مسئولیت کودک در این دوره نیز در درجه اول با والدین و سپس جامعه است، زیرا اگرچه در اواخر این دوره کودک به توان فکری بالا دست می‌یابد، اما همچنان طفل است و تکلیف شرعی و قانونی ندارد. از این رو از جمله وظایف والدین در این دوران حسن تربیت، کمک به طفل در اطاعت از خداوند و ایجاد روح فرمان‌برداری است (حیدری نراقی، ۱۳۸۴: ۳۱۱). با به کار افتادن تدریجی عقل تمییز کودک و فعال شدن قوه تشخیص، کودک می‌تواند برخی از امور را با مسئولیت خود انجام دهد. تقسیم‌بندی طفل ممیز و غیرممیز در فقه اسلامی برخاسته از رشد فکری و عقلی است. برای مثال صغیر ممیز می‌تواند قبول هدیه (عاملی، ۱۴۰۰: ۲۲۳)، صلح بلاعوض و حیات مباحات کند.^۱

هر یک از آموزه‌های خلاف موارد مذکور را می‌توان به‌عنوان امور خلاف نفع و مصلحت کودک معرفی کرد. از این رو کلیه رفتارهای خشونت‌آمیز با کودک یا در مرعی و منظر کودک که به سلامت جسم و روان وی آسیب وارد آورد، عدم آموزش نسبت به اعضای بدن و کارکردهای آن؛ بی‌توجهی به موضوع وقت و زمان و این موضوع که هر امری دارای مهلت و اجلی است و با پایان یافتن آن نمی‌توان فرصت از دست‌رفته را بازگرداند؛ محدود کردن کودک و جلوگیری از رویکردهای خلاقانه وی؛ عدم آموزش انواع تفکر (مشاهده‌ای، اجتماعی، بنیادی و ...)؛ عدم آموزش بایدها و نبایدهای دینی و اجتماعی خلاف مصالح نوعیه کودک هستند.

۵. نتیجه

رعایت مصلحت، از جمله معیارهای محدودکننده اصل عدم ولایت بر دیگری است که در مورد کودک از باب امتنان و به‌منظور تدبیر امور وی مطرح شده است. از این رو سرپرستان طفل در کلیه امور و تصمیمات مربوط به وی می‌باید مصالح را در نظر بگیرند. در غیر این صورت می‌توان این تصمیمات را زیر سؤال برد و بی‌اثر کرد. مصالح مورد اشاره در فقه امامیه بیشتر ناظر بر مصالح شخصی کودک است و مرجع تعیین‌کننده آن نیز عرف است. با وجود این و با بررسی منابع فقهی درمی‌یابیم که غیر از مصالح شخصی، مصالح نوعیه‌ای نیز قابل استنباط است که در مورد کلیه کودکان اجراشدنی است. تعیین این مصالح با لحاظ مراحل، دوره‌های زندگی انسان و غایات هر دوره صورت می‌گیرد. دوره کودکی در میان کلیه ادوار رشد انسان

۱. ماده ۱۲۱۲ قانون مدنی.

قابل تقسیم به دو دوره است و ناطق شدن با ابزار کلام نقطه عطف این تقسیم‌بندی است. امری که وجه ممیز انسان و سایر موجودات است و به موجب آن کودک می‌تواند با جهان پیرامون ارتباط عمیق‌تری پیدا کند و به رفع نیازهایش پردازد. غایت در دوره اول رسیدن به مقام نطق و تکلم است و حواس مهم‌ترین ابزار مورد استفاده وی هستند. از این رو مصالح نوعیه کودک باید در راستای این مهم و رسیدن بدان باشد. فعالیت‌های والدین به‌عنوان مؤثرترین افراد در سرنوشت کودک از پیش از تولد آغاز می‌شود و تا زمان بلوغ کودک ادامه خواهد داشت. دوره دوم نیز دوره گذار و دوره‌ای مابین دوره اول و دوره بلوغ است. غایت این دوره، رسیدن کودک به مرحله تشخیص و بلوغ است و تمامی آموزش‌ها و فضا سازی‌ها باید همسو با این هدف باشند.

منابع و مأخذ

۱. احمدآبادی، فرزاد (۱۳۹۲). اطفال ۱ براساس اسان‌شیل نلسون ۲۰۱۱. تهران: پارسیان دانش.
۲. اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲). رشد از تکلم تا بلوغ دوره ظهور مشورت و ادب. ج ۲. تهران: انتشارات قرآن اهل بیت نبوت (ع).
۳. اخوت، احمدرضا (۱۳۹۲). رشد پیش از تولد تا آغاز تکلم دوره ظهور ولایت و تأدیب. ج ۱. تهران: انتشارات قرآن اهل بیت نبوت (ع).
۴. اسلامی، حسن (۱۳۷۴). «اهداف دین، درنگی در نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی». مجله فلسفه و کلام، ش ۵.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۱۱ق). کتاب المکاسب. ج ۱، قم: منشورات دار الذخائر.
۶. آملی، محمدتقی (بی‌تا). المکاسب و البیع. ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۷. بحرالعلوم، محمدتقی (۱۴۰۳). بلغه الفقیه. ج ۳، تهران: منشورات المکتبه الصادق.
۸. جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). دانشنامه حقوق اسلامی. ج ۵، تهران: امیرکبیر.
۹. جعفری کوفی، مفضل بن عمر (بی‌تا). توحید المفضل. قم: داوری.
۱۰. حرانی، محمد (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن ال الرسول (ص). قم: جامعه مدرسین.
۱۱. حسینی مراغی، میرعبدالفتاح (۱۴۱۸ق). العناوین. ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۲. حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر بن حسن (۱۴۰۸ق). شرایع الاسلام فی مسائل حلال و الحرام. ج ۲، قم: اسماعیلیان.
۱۳. ----- (۱۴۲۳ق). معارج الاصول. قم: مؤسسه الامام علی.
۱۴. حلی، حسن بن یوسف (۱۳۹۹). کشف‌المراد فی شرح تجرید الاعتقاد. بیروت، مؤسسه الاعلمی.
۱۵. ----- (۱۴۱۰ق). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان. ج ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۴). ترجمه و تبیین رساله حقوق امام سجاد(ع). قم: انتشارات مهدی نراقی.
۱۷. خمینی، روح‌الله (۱۳۹۰). تحریرالوسیله. ج ۲، قم: دارالکتب العلمیه.
۱۸. ----- (۱۳۷۲). انوارالهدایه. ج ۲، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام الخمینی (ره).
۱۹. ----- (۱۴۱۵ق). کتاب البیع. ج ۲، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۰. خوئی، ابوالقاسم (۱۳۸۲ق). المحاضرات فی علم الاصول. به تقریر اسحاق فیاض، ج ۴، مطبعه نجف.
۲۱. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۳۴). لغت‌نامه. ج ۴، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۲. ریسونی، احمد (۱۴۱۸ق). نظریه المقاصد عند الامام الشاطبی. بیروت: دارالفکر.
۲۳. شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۵). سیاست جنائی اسلامی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۴. شبلی، محمد مصطفی (۱۴۰۶ق). اصول الفقه الاسلامی. بیروت: دارالنهضة العربیه.
۲۵. صانعی، مهدی (۱۳۷۲). ترجمه القواعد و الفوائد. مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۶. صدوق، محمدبن علی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. ج ۳، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۲۷. طباطبائی، محمدکاظم، عروه الوثقی فیما تعم به البلوی، ج ۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمی قم.
۲۸. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: مکتبه مرتضویه.
۳۰. عاملی، محمد بن مکی (۱۴۰۰ق). القواعد و الفوائد. ج ۱، نجف: کتابفروشی مفید.
۳۱. ----- (۱۴۱۰ق). اللمعه دمشقیه فی فقه الامامیه. بیروت: دار التراث الاسلامیه.
۳۲. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.
۳۳. عمید، حسن (۱۳۶۹). فرهنگ فارسی عمید. تهران: امیرکبیر.
۳۴. قرشی بناهی، علی اکبر (۱۳۸۱). قاموس قرآن. ج ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۵. کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. ج ۶، قم: مؤسسه آل البيت (ع).
۳۶. کلینی، محمد یعقوب (بی تا). الکافی. ج ۵، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهل بیت.
۳۷. مجلسی، محمدباقر، (بی تا). بحار الانوار لدرر اخبار ائمه الاطهار (ع). ج ۱، بیروت: دار احیا التراث العربی.
۳۸. مرعشی، محمدحسن (۱۳۷۱). «مصلحت و پایه های فقهی آن». مجله حقوقی دادگستری، ش ۶.
۳۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸). التحقیق فی کلمات قرآن الکریم. ج ۶، تهران: مرکز نشر آثار علامه المصطفوی.
۴۰. مفید، محمد (۱۴۱۳ق). الارشاد فی معرفه حجج ا... علی العباد. ج ۱، قم: کنگره شیخ مفید.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ق). انوارالفقاهه-کتاب البیع. قم: مدرسه الامام امیرالمؤمنین (ع).
۴۲. موسوی همدانی، محمدباقر (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ج ۲۰، قم: جامعه مدرسین.
۴۳. نجفی، محمدحسن (بی تا). جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام. ج ۴۳، بیروت: دار احیا التراث العربی.